

در اندرونی اهل قلم (۳)

شاعرانی که عضو انجمن‌های سزی بودند

نیل اسپنسر

ترجمهٔ پرتو شریعتمداری

داستان‌ها و ادبیات رمزی و عرفانی بود و با عطشی سیری‌ناپذیر اساطیر ایرلندی و آموزه‌های هندوئیسم و بودیسم را مطالعه می‌کرد. او در جلسات احضار ارواح حضور می‌یافت و به انجمن حکمت الهی پیوسته بود که اعضایش به وحدت همهٔ ادیان معتقد بودند. بیستس در سال ۱۸۹۰ به «فرقهٔ کیمیایی طلیعهٔ طلایی» معرفی شد. اعضای این فرقهٔ شگفت‌انگیز با تحمل درد ناشی از «جریانی از نیرو» که خود اعضا مولد آن بودند، به حفظ اسرار آن سوگند می‌خوردند. بیستس در این فرقه با مراقبه، طالع‌بینی، تاروت (اعضا موظف بودند که هر کدام مجموعه‌ای ورق تاروت را به ابتکار خود نقاشی کنند) و جادوگری که در حکمت الهی به صراحت ممنوع شده بود آشنا شد.

به‌جز بیستس، شماری دیگری از هنرمندان معاصر او هم عضو این انجمن بودند و میانشان خصومت‌ها و اختلاف‌هایی وجود داشت که گاه به زدو خورد منجر می‌شد. همین کشمکش‌ها سرانجام بیستس را از این فرقه بیزار کرد. با این همه، تأثیر آموزه‌ها و نمادگرایی آن هیچ‌گاه از زندگی و نوع نگرش او به دنیای اطرافش جدا نشد و رد خود را بر اشعار و نمایشنامه‌های او برجا گذاشت.

پرسی بیش شلی

در دوران گوتیک^۱، انجمن‌های سزی رواج و گسترشی همانند تئوری‌های توطئه داشت. رمان‌های قرون هجده و نوزده پُر است از شخصیت‌های روشن ضمیر وابسته به فرقه‌های مرموز، راهب‌های شورشگر و عرفای مسیحی که همگی در پی براندازی تمدن اروپایی هستند. دیزرائیلی، سیاستمدار و دولتمرد محافظه کار انگلیسی معتقد بود که نفوذ شوم همین‌گونه افراد باعث بروز انقلاب فرانسه شد.

شلی جوان هم یکی از طرفداران پرشور تئوری‌های توطئه بود و در سال ۱۸۱۱ رمانی به نام *قدیس ایروین* نوشت که در آن فرقه‌ای از صوفیان مسیحی می‌کوشند راز زندگی جاوید را دریابند. پس از این رمان هم رمان دیگری به نام *قاتلان* (۱۸۱۴) نوشت که آن را ناتمام گذاشت.

مدتی بعد، همسر او رمان *فرانکشتاین* را نوشت که از مهم‌ترین

رابرت برنز

اسطورهٔ شعر اسکاتلند که «شاهزادهٔ شاعران» و شاعر ملی این کشور خوانده می‌شود، یک فراماسون پرشور بود و در سال ۱۷۸۱، یعنی از ۲۲ سالگی به این فرقه پیوست. او به‌سرعت مدارج پیشرفت را در ماسونری طی کرد و چیزی نگذشت که مدیر لژ ناحیهٔ تاربولتون شد. چند سال بعد، در ادینبرو، پایتخت اسکاتلند، از او با لقب «ملک‌الشعرا» ماسون‌های اسکاتلندی نام برده می‌شد.

برنز در شماری از اشعارش از جمله در شعر «پیشبند استاد» از این فرقه تجلیل کرده است. ماسونری برنز که ترکیبی از آرمان‌گرایی سیاسی و فلسفهٔ خودیاری بود، لطمه‌ای به پیشرفت ادبی او وارد نکرد. ناشر مجموعه‌ای که در سال ۱۷۸۶ از اشعار برنز منتشر شد، یکی از دوستان ماسونی وی بود و ۳۵۰ نفر از اعضای فرقه از خریداران این مجموعه بودند.

لرد بایرون

شاعر رومانیتیک انگلیسی در جوانی مجذوب داستان‌های ضدمسیحی و شادخوارانه‌ای شد که از سوی محافل کم و بیش بدنام با نام «باشگاه‌های هل‌فایر» رواج داده می‌شد. این محافل در قرن هجدهم، نخست در لندن و سپس در اسکاتلند و ایرلند پدید آمد. گردانندگان آن‌ها اشرافی بودند که جملهٔ «هرچه خوش داری انجام بده» شعارشان بود. کسانی هم که به این محافل راه می‌یافتند از دولتمردان و افراد بانفوذ در سیاست بودند. بایرون و دوستان آکسفوردی او بر آن شدند که محفلی مشابه برای خود ایجاد کنند.

آن‌ها در «نیواستد ای» که دیری متروک و متعلق به خاندان بایرون بود، گرد هم می‌آمدند و در بز‌مهایی که به راه می‌انداختند با لباس راهب‌ها شرکت می‌کردند و در جام‌هایی که از جمجمهٔ انسان ساخته شده بود شراب می‌نوشیدند. محفل آن‌ها بیش از آن که به یک انجمن سری شبیه باشد، به یک مهمانی بالماسکه شباهت داشت.

ویلیام باتلر ییتس

ییتس، شاعر و نمایشنامه‌نویس بلندآوازهٔ ایرلندی از نوجوانی فریفتهٔ

نمونه‌های ادبیات گوتیک به شمار می‌رود. با این حال شلی رفته‌رفته از دلمشغولی به تئوری توطئه دور شد و با پیداشدن انگیزه‌های سیاسی در او، شعری در نکوهش قتل عام پیترولو^۲ سرود.

ویلیام شکسپیر

آیا واقعاً شکسپیر شاعر و نمایشنامه‌نویس به شبکه‌ای از کاتولیک‌های دوآتشه تعلق داشت که در برابر استیلای پروتستان‌ها بر انگلستان مقاومت می‌کردند؟ کلر اسکوئید، نویسنده کتابی به نام *Shadowplay* که چندی پیش به بازار آمد، معتقد است که این موضوع صحت دارد و شکسپیر آثار خود را به زبانی رمزی می‌نوشته تا کاتولیک بودن او پوشیده بماند.

البته چنین ادعایی در مورد شکسپیر در صورتی پذیرفتنی است که آثارش واقعاً به دست او و نه چنان که برخی معتقدند به دست رقیبان ادیب و فرهیخته معاصر او، یعنی کریستوفر مارلو، شاعر و نمایشنامه‌نویس و فرانسیس بیکن، فیلسوف و دانشمند نوشته شده باشد. در مورد بیکن اغلب گفته شده که عضو یک فرقه سزای مسیحی و عرفانی بوده است که اصول عقاید آن در رمان بیکن، *آتلاتیس نو* آشکار است.

همچنین عده‌ای معتقدند آثار ادبی‌ای که به فردی به نام شکسپیر نسبت داده شده، به وسیله گروهی از مردان فرزانه که اعضای انجمنی مخفی از دانشوران بوده‌اند به نگارش در آمده و کسی که ویلیام شکسپیر نام داشته یک گرداننده کم سواد تئاتر بیش نبوده است.

۱. به احتمال زیاد منظور از دوران گوتیک در این‌جا ادبیات داستانی گوتیک و رمان‌هایی است که با ویژگی‌هایی ثابت از جمله شخصیت‌های اسرارآمیز، سلطه‌جو یا گرفتار جنون، جادوگران، نفرین‌های موروثی، قصرها و باروهای کهن و متروک و محل رفت و آمد ارواح و موجودات خون‌آشام و فضا‌های تیره مشخص می‌شود. در واقع ادبیات گوتیک که در نیمه دوم قرن هجده میلادی رواج یافت پیامد اقبالی دوباره به معماری گوتیک بود که در اواخر قرون وسطی پدید آمد. برخی معتقدند این ادبیات در واکنش به خردگرایی و شفافیت‌سنایی عصر روشنگری پدیدار شد. بعضی هم آن را زاییده عقاید و افکار پروتستان‌های ضد کاتولیکی می‌دانند که فرهنگ قرون وسطی را با سلطه وحشت، خرافات، شکنجه و قوانین سختگیرانه عجین می‌دانستند - م.

۲. اشاره به واقعه‌ای است که در ۱۶ اوت ۱۸۱۹ در شهر منچستر انگلستان روی داد و طی آن نیروهای سواره نظام به یک اجتماع ۸۰ هزار نفری که با درخواست اصلاح قوانین و به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز گرد هم آمده بود حمله بردند و بسیاری را کشتند - م.

[مأخذ: ضمیمه ادبی ابزرور]



لرد بایرون



ویلیام بایرد بیکن



پرنسیس مری شلی